

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Scientific

علمی

برگردان از: حمید محوی

۰۷ مارچ ۲۰۱۵

کشف های بزرگ روانکاوی ۱۹۷۷-۱۹۸۵

اودیپ، عقده ای همه شمول

۱

پیش گفت اور مترجم :

به خاطر تو که تا این جا آمده ای، باید بگویم که این کتاب هنوز کاملاً ترجمه نشده ولی به تدریج بخش های ترجمه شده منتشر خواهد شد. کلکسیون «کشف های بزرگ روانکاوی» جلد های متعددی را به موضوعات مختلف روانکاوی اختصاص داده و بی شباهت به آنسی کلودی نیست. من موضوع ادیپ را انتخاب کردم. این ترجمه پیش از این همراه با تعدادی از متن های فریود و اتورانک در بلاگی که به آثار روانکاوی اختصاص داده بودم منتشر شده بود، ولی آن بلاگ و به همین گونه بلاگ مرتبط به رمان «گرادیوا فانتزی پمپی» اثر ویلهلم یانسن و بخش اول تحلیل فریود درباره این رمان (روانکاوی کاربردی) و به علاوه «روانکاوی ایدئولوژی واپس گرا» مانیفست ۸ روانپزشک کمونیست ۱۹۴۸ دیگر وجود خارجی ندارد و تمام این متن ها به گاهنامه هنر و مبارزه منتقل شده است. به جز «روانکاوی ایدئولوژی واپس گرا» که به دلیل مداخله هاکرهای دولتی توقیف شده و مداخله و یا حذف آن برای من ممکن نیست (...)، ولی پرونده آن را با تصحیح متن قدیمی دوباره در اینجا منتشر کردم. «نقد مارکسیسم درباره نظریه روانکاوی» نوشته کاترین کلمان، پی بر برونو و لوسین سو را می توانید در لینک زیر جست و جو کنید که به یاری مترجم برتراند راسل در ایران، امیر کشفی منتشر شده است که باید از او صمیمانه تشکر کنم به ویژه به خاطر تصحیح برخی مطالب. برای گسترش بحث درباره ادیپ، بخش دوم کتاب «نقد مارکسیسم درباره نظریه روانکاوی» را توصیه می کنم :

http://www.adabestanekeve.com/book/naghd_marksism_darbarh_nazar_ravankavi.pdf

البته امروز این کتاب از دیدگاه من به بازخوانی مجدد و تصحیح مجدد با امکانات نوشتاری تازه نیازمند است. در برخی موارد نیز باید توضیحات بیشتری داده شود. متأسفانه ادبیات روانکاوی هم کمی شبیه قرآن مجید است، هر خواننده ای می تواند برداشت خودش را داشته باشد و بخشی را که می خواهد از بخش های دیگر جدا کند و نتیجه بگیرد. البته برای بخش دوم و سوم مشکل چندانی نمی بینم. مشکلات بیشتر به بخش اول کتاب و خاصه بخش مرتبط به ژک لکان (مشهور) مربوط می شود.

متن دیگری «از ساحت تخیلی تا فن نوشتار نزد فاعل ناخودآگاه» از کتاب «تخیل ادبی» نوشته استاد ادبیات فرانسوی آقای کریستیان شلبورگ است، که خواندن آن را به تمام علاقه‌مندان به روانکاوی و موضوع ناخودآگاه به عنوان موضوع مرکزی تمام روانکاوی — رابطه زبان و انسان و ناخودآگاه و اثر هنری ادبی — اکیداً توصیه می‌کنم. امیدوارم ترجمه من از عهده این مسؤلیت بزرگ برآمده باشد. لینک این مقاله را برای تسهیل جست و جو در زیر یادآور می‌شوم. لینک بخش دوم را در پایان بخش اول خواهید یافت.

تخیل ادبی : فصل چهارم. از ساحت تخیلی تا فن نوشتار نزد فاعل ناخود آگاه. بخش ۱

در اینجا باید یادآور شوم که می‌بایستی وقت زیادی را برای انتشار سه باره تمام مطالب منتقل شده به گاهنامه هنر و مبارزه اختصاص می‌دادم، زیرا با اعتماد کامل - افسوس - به بلاگفا برای استفاده از «ادامه مطالب» برای متن های طولانی، دریافتم که در صورت انتشار بقیه مطالب در «ادامه مطلب» لینک مربوطه تنها بخش «ادامه مطالب» را باز می‌کند و دسترسی به بخش اول برای خوانندگان موکول به عملیات طولانی تری خواهد شد. متأسفانه پدیده تازه ای زیر آسمان آبی دیده نمی‌شود، دوران لیبرالیسم به شکل رادیکال فرهنگ، آموزش و اطلاعات را به زمینه اقتصادی، و بیش از پیش طبقاتی کشانده است، و از اشیاء رایگان مثل «بلاگفا» برای آنهایی که کنار جاده رها شده اند انتظار چندانی نمی‌توانیم داشته باشیم. دوباره یادآوری می‌کنم که متن حاضر بخشی از کتاب یاد شده است، در آینده ممکن است در صورتی که... بخش های دیگری را ترجمه کنم.

حمید محوی/گاهنامه هنر و مبارزه/ پاریس/ ۵ مارچ ۲۰۱۵

پیشگفتار

(بخش ۱)

ادیپ، عقده ای همه-شمول

مشکل ادیبی که در کودکی حل نشده باشد در زندگی فرد در سنین بلوغ به شکل بارزی سنگینی خواهد کرد. عقده ادیب(۱) در نظریه روانکاوی مرکزیت داشته و در چشم انداز کاشف آن از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. به سال ۱۹۳۸، فروید کمی پیش از این که دار فانی را وداع گوید در کتاب «روانکاوی به اختصار» (۲) می‌نویسد:

« من فکر می‌کنم اگر روانکاوی تنها به کشف عقده ادیب محدود می‌شد، همین کافی بود تا آن را در ردیف یکی از کشفیات مهم و گران بهای عالم بشریت بدانیم.»

و در واقع عقده ادیب از دیدگاه فروید، شاخصی بود که آن را جهت تشخیص طرفداران روانکاوی و افراد مخالف روانکاوی و به خصوص در مجادلاتی که با یونگ (۳) و آدلر (۴) و دیگران داشت به کار می‌برد و هر بار بر اساس موضوع مورد بحث، لیست اسامی موافقان و مخالفان تغییر می‌کرد.

اگر از دیدگاه فروید، عقده ادیب در حله اول معرف گره نوز به حساب می‌آید، ولی اعتبار آن را شامل مفهومی فراتر از محور اختلالات روانی یا جنسی می‌دانست و به عبارتی تام و تمام آن را به مجموعه فعالیت های روانی-جنسی عادی و به همین منوال غیر عادی نزد نوع بشر تعمیم می‌داد. فروید در توتم و تابو (۵)، به سال ۱۹۱۳، اهمیت عقده ادیب را در بررسی و درک «فرهنگ» به مفهوم تام و تمام، ساختار اجتماعی و سیاسی، حقوق و دین، اخلاق و فعالیت های والاگرایانه (یا والايشگرانه) آشکار می‌سازد.

عقدۀ ادیب در ذهن فروید پیش از همه شامل تمنای جنسی کودک است به یکی از والدین که از جنس مخالف بوده، و خصومت با دیگری که هم جنس اوست. سپس، او «ادیب معکوس» (۶) را کشف می کند، یعنی تمنای که مطلوب را نزد یکی از والدینی که هم جنس اوست جست و جو می کند و خصومت ورزیدن با طرف والدینی که جنس مخالف اوست. چنین موردی او را به مفهوم «ادیب کامل» (۷) هدایت می کند که واجد وجه مثبت و منفی بوده و بر اساس این و یا آن فرد اندازه آن تغییر می کند ولی همواره حضور دارند. بنابراین اگر یک رابطه جنسی را در نظر بگیریم (زیرا از آنجائی که مفهوم دو جنسیتی پنهان و نا آشکار بعداً این نظریه را تکمیل کرد) تعداد معاشقان به دو نفر تقلیل نمی یابد بلکه چهار نفر هستند. در واقع اگر وجود نوعی «ضد ادیب» (۸) را از جانب والدین نیز در نظر بگیریم یعنی عشق و نفرت مادر نسبت به فرزند، و همین موقعیت دوگانه را در رابطه با پدر نسبت به فرزند و به عبارت دیگر اگر فرزند کثی را به عنوان تمنای موازی با والدین کثی به تعداد معاشقان بیفزائیم در اینصورت تعداد آنها در معاشقه فرضی که بدان اشاره کردیم باز هم افزایش پیدا خواهد کرد (راسکفسکی ۱۹۷۰) (۹).

ولی هیچ کس در اسطوره ادیب که کمی دورتر بدان خواهیم پرداخت، این نکته را یادآور نمی شود که در واقع این لائیوس (۱۰) بود که می خواست پسرش را هنگام تولد به قتل رساند و «داستان ادیب با او آغاز می شود». بنابراین می توانیم بگوئیم که عقدۀ ادیب شامل تمام روابط فرزند با والدین است (فروید: مرد گرگ نما) (۱۱) و البته به طور کلی شامل تمام روابط انسانی نیز هست. چنین واقعیتی در مورد کودک صدق می کند، و به همچنین نزد فرد بالغ نیز تا اندازه ای قابل مشاهده است.

تنها چنین اصل متشکلی (۱۲) است که می تواند وسعت عقدۀ «سازمان دهنده» (۱۳) (الف) را در معنای عمومی آن یعنی در وجه همه-شمول (۱۴) آن توضیح دهد. همه-شمول بودن عقدۀ توسط ملینوفسکی (۱۵) محقق در زمینه مردم شناسی، زیر علامت سؤال برده می شود و خواننده می تواند در میان مقالاتی که در این جا گرد آوری شده است، مقاله ای بیابد که به شکل دقیق تری این موضوع را مورد بررسی قرار داده است. بنابراین چنین ساختاری از نظر ما در عین حال معرف عامل محرک خاصی نیز هست: و به این معنا که همواره و همیشه منعکس کننده تمنای جنسی ناخود آگاه و در عین حال خشونت کودک به والدین بوده است (که شامل جهت معکوس آن نیز هست).

در واقع تعبیرات مرتبط به تکوین جهان و اسطوره ها تماماً شامل عنصر ادیبی (ب) هستند و باید دانست که این مضمون همواره از جمله منابع الهام هنری و به خصوص ادبی بوده است (پ).

فروید نیز از نمایشنامه های سوفکل و شکسپیر استفاده می کند. بررسی و تأمل پیرامون ادیب و هملت نزد فروید به دوران سوگواری او در فوت پدرش باز می گردد. پیش از تعریف عقدۀ ادیب توسط بنیانگذار روانکاوی، آن را در متون دنی دیدرو (۱۶) می یابیم که در کتاب «زندگی هانری برونلار» (۱۷) می نویسد: «اگر کودک وحشی به حال خود واگذار می شد، و اگر با همان طبیعت لاشعور در گهواره، سودای خشونت آمیز مرد سی ساله ای را در اختیار می داشت، بی گمان پدرش را می کشت و با مادر خود همخوابگی می کرد.» استاندال (۱۸) فی البداهه عقدۀ ادیب خودش را مطرح می کند (ت).

عقدۀ ادیب واجد یک آغاز است، یک سیر تحولی (که بر اساس موارد مختلف طبیعتاً عوارض مختلفی را بر جا می گذارد) و یک پایان است (که کاملاً حالت نسبی دارد). این موضوع را نزد فروید مورد بررسی قرار خواهیم داد. خوانندگان در این جلد و جلد های بعدی مشخصات دقیق جایگاه عقدۀ را در «متاپسیکولوژی» (۱۹) فروید ملاحظه خواهند کرد. ما به طور کلی در مورد فراز و نشیب های تحولات روانی-جنسی (۲۰) کودک و فرد بالغ تأکید می کنیم و به مطالب اصلی و ضروری اشاره خواهیم داشت.

فروید عقده ادیپ را با مراجعه به نظریه «سیر تحولی فردی» (۲۱) «سیر تحولی نوعی» (۲۲) توضیح می دهد : اولی در «روانکاوی به اختصار» Abrégé de la psychanalyse و در بخشی که فروید درباره «مراقبت و همزیستی دراز مدت کودک با والدین»، توضیح می دهد. دومی در واقع مقدم بر اولی ست زیرا مربوط به انسان اولیه است که به حالت قبیله می زیست و تحت رهبری نر قدرتمندی یعنی پدر اداره می شد و تمام ماده ها را نیز به خود اختصاص می داد. به این ترتیب جوانان را مجبور می ساخت که از زنها دوری کنند و اگر از چنین قانونی عدول می کردند، خطر فنای از عورت (۲۳) تهدیدشان می کرد. بر اساس نظریه فروید، روزی از روزها پسران دست به شورش می زنند و به خاطر دست یابی به زنان قبیله، پدر را به قتل می رسانند. سپس از ارتکاب به عمل خود اظهار ندامت می کنند و احساس گناه جمعی (۲۴) سرانجام به منع زنا با محارم (۲۵) و برون همسری (۲۶) می انجامد. و جمله این حوادث به کمال مطلوب اخلاقی منتهی می شود که اصل بنیادین آن امتناع است. به هر صورت، این تعبیر فروید از پیدایش اخلاق بود (و تنها در سال ۱۹۲۳ است که از «فرامن» حرف می زند). بی گمان چنین طرحی خالی از اشکال نیست، زیرا فرزندان پیش از آن که احساس گناه کنند، می بایستی واجد چنین غریزه بازدارنده ای (و ممنوع کننده ای) می بودند. بنابراین چنین مضمونی را می توان به شکل دیگری توضیح داد و به این شکل که احساس گناه به سبب خود شکست در ارتکاب به عمل ممنوعه بوده است. چنین تعبیری به یمن تجارب بالینی ما قانع کننده تر به نظر می رسد(ث).

توضیحات نویسنده

الف - Spitz اسپیتز در سال ۱۹۵۹ مفهوم طبیعت شناسانه (بیولوژیک) «سازمان دهنده» را روانکاوی و به خصوص در رابطه با عقده ادیپ به کار برد.

ب- بر اساس سنت یونان باستان، گایا Gāa، زمین، نخستین نوزاد خود را به وجود می آورد که اورانوس Ouranos یعنی آسمان است. آسمان دریا را می آفریند و تیتان ها Titan (غول)، سیکلوپها Cyclope (غول یک چشم) و سیصد غول صد دست. اورانوس از مادر خود بیزار است و فرزندان را در زمین دفن می کند. گایا از توطئه با آخرین فرزند او کرونوس Kronos که از تیتانها بود، از او انتقام می گیرد. به او یک داس می دهد و زمانی که اورانوس به گایا نزدیک می شود، کرونوس از مخفی گاه خود بیرون می آید و آلت تناسلی پدرش را قطع می کند و به دریا می اندازد، از کفی که ایجاد می شود آفرودیت Aphrodite به دنیا می آید...

عناصر کاملاً مشابهی را در تبار نامه خدایان مصری عهد عتیق و در تمام اسطوره های نخستین مشاهده می کنیم.

پ - سوفکل Sophocle، **اریپید Euripide**، **آکائیوس Achaïos** و **زنوکل Xenocle** بر اساس مضمون «ادیپ شهریار» نوشته و هر یک برداشت خاص خود را به وجود آورده اند، از نویسندگان رمی می توانیم از **سنک Sénèque** و **ژول سزار Jule César** نام ببریم. اولین نمایشنامه ای که **ولتر Voltaire** در سن ۱۹ سالگی نوشت روی مضمون ادیپ بود. **کورنی Corneille** کمی بعد از فوت پدرش نمایشنامه ای با تیتیر ادیپ نوشت. **لا تورنل La Tournelle**، **شنبه Chénier**، **لوکوت Laucotte**، **روبرت گرنیه Robert Garnier** از **کورنی** الهام گرفتند به همین منوال نویسنده نویسنده معاصر ما ژان کوکتو Jean Cigteau ماشین جهنمی La machine infernale را نوشت. نمایشنامه نویسان انگلیس مثل **لvyden** و **Lee** همین کار را دنبال کردند، **هانس سش Hans Sachs** **یوکاست Jocaste** را نوشت و **دون کارلوس Don Carlos** را **شیلر Schiller** نوشت، و ادیپ و اسفنجس

Oedipe et le Sphinx را *وون هوفمنستال* Von Hoffmannsthal نوشت. در مورد ادبیات مدرن و تأثیر یا سینما تنوع آثار دیگر قابل شمارش نیست

ت- در کتاب هائی که در آینده منتشر خواهیم کرد، به بررسی علت و ساخت و ساز پدیده ای که مقاومت می نامند، خواهیم پرداخت، و خواهیم دید که از چه رو فانتاسم ادیبی نیل به پنهان نگهداشتن خود دارد و به عبارت دیگر تمایل آن بر این است که در حالت واپس زده باقی بماند.

چنین واپس زدگی گاهی سطحی و همزمان با بیان تمّای واپس زده، خود را آشکار می سازد. رویدادی که غالباً تحقق می یابد همان طور که فروید برای مثال در تحلیل ساختار «کلمه طنز آمیز» (Mot d'esprit) نشان می دهد و یا در تحلیل عوارض بیماری زا. « چیزی را که نمی توانم بپذیرم، همین داستان عقده ادیب است» این جمله را یکی از اعضای گروه روانپزشکی به یک روانکاو می گفت که از پشت پرده آهنی به بازدید از بیمارستان سنت-آن (Sainte- Anne) آمده بودند. و در پی آن فوراً اضافه می کند که: «در حال حاضر خیلی نگران دخترم هستم چون که به یکی از همکاران هم سن و سال خود من، دل بسته است.» و یکی دیگر از همراهان گروه می گفت: «این داستان ادیب، شما تنها از این داستان حرف می زنید... شما من را به یاد پدرم می اندازید که...»

ث - علاوه بر این رابطه با تصویر (۲۷) (imago) پدیده ممکن است که به شکل «پدری عالی مقام» (۲۸) (super-père) تنش ها و منازعات ادیبی را متأثر سازد و از حد و حدود آن فراتر رود. به این ترتیب بُعد خاصی از چنین رابطه ای با پدر آشکار خواهد شد که به شکل ضمنی خصومت ادیبی را همراهی می کند و شامل آرزومندی ندامت آمیز (Nostalgie) او در رابطه با تصویر پدری محافظ و مسؤول است. و در عین حال روشنگر آن چیزی ست که ما « کراهت از همخوابگی با محارم» (۲۹) می نامیم. فروید منشأ پیدایش مذهب را در نیازمندی های کودکی جست و جو می کند که هنوز ناتوان است و به مراقبت والدین و تصویر پدری محافظ نیازمند است. ولی این نظریه کافی به نظر نمی رسد. ما بیشتر بر این عقیده هستیم که این موضوع را در نارسیم کودک مورد بررسی قرار دهیم. فرا افکنی الزامی او پس از جراحت نارسیمیک اولیه narcissique (خود شیفتگی) (۳۰) نزد نوزاد (۳۱) خیلی زود خود را آشکار می سازد و در این تصویر است (تصویر پدر) که تکیه گاه مناسب تری نسبت به تصویر مادر (۳۲) می یابد. (۳۳)

توضیحات مترجم

Oedipe	(۱)
Abrégé de psychanaly	(۲)
Yung	(۳)
Adler	(۴)
Totem et tabou	(۵)
Oedipe inversé	(۶)
Oedipe complet	(۷)
Contre-Oedipe	(۸)
Raskovsky	(۹)

Laïos	(۱۰)
L'homme aux loups	(۱۱)
Formulation اصل متشکل	(۱۲)
Organisateur سازمان دهنده	(۱۳)
Universalité همه-شمول. Universel این کلمه که غالباً به شکل جهان شمول نیز نوشته می شود	(۱۴)
Malinowski	(۱۵)
Denis Diderot	(۱۶)
La vie d'Henri Brulard	(۱۷)
Stendhal	(۱۸)
Métapsychologie	(۱۹)
Psychosexuel	(۲۰)
Ontogénétique	(۲۱)
Phylogénétique	(۲۲)
Castration	(۲۳)
Culpabilité	(۲۴)
Inceste	(۲۵)
Exogamie	(۲۶)
imago	(۲۷)
super-père	(۲۸)
L'horreur de l'inceste	(۲۹)
narcissique خودشیفتگی	(۳۰)
Néo-natale	(۳۱)
Image maternelle, Imago paternelle	(۳۲)
لازم به یادآوری است که کودک در مراحل اولیه خود را قادر مطلق دانسته و این دوران را در روانکاوی نارسسیم اولیه Narcissime primaire می نامند و سپس از زمانی که به تشخیص تصویر مادر نائل می آید، و پی می برد که مادر همیشه قادر به برآوردن نیازهای او نیست، توجه او به پدر جلب می شود که گویی مختصات قادر مطلق را به خود جذب کرده است.	(۳۳)

ادامه دارد

L'oedipe
un complexe universel
Editions Sand
Collection
Les grandes découvertes
de la psychanalyse.1977.1985